

محمد (ص)
در کتاب‌های مقدس هندو

به قلم:
دکتروود پرکاش اوپادهی
پروفسور آشیت کومار بند اوپادهی
(دانشمندان هندو)

ترجمه:
سعید کریم پور



انتشارات راه ابریشم
زمستان ۱۳۹۰

سرشناسه	اوپادهی، ود پراکش Upadhyaya, Ved. Prakash
عنوان و نام پدیدآور	مختصرات در کتابهای مقدس هندو / ود پراکش اوپادهی، آشیت کومار بند اوپادهی؛ ترجمه سعید کریم پور.
مشخصات نشر	: تهران: راه ابریشم - ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	: ۲۰۸ ص.
شابک	: 978-600-5441-25-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: عنوان اصلی: Muhammad in the Hindu scriptures
موضوع	: محمد، اصل - پیام اسلام - ۵۷ قبل از هجرت - ۶۱۱ قی. - تفسیر هندو
موضوع	: اسلام و هندوئیسم
موضوع	: هندوئیسم و اسلام
شماره افزوده	: بنهوپادهی، آشیت کومار
شماره افزوده	: Bandhopaddhay, Ashit Kumar
شماره افزوده	: کریمپور، سید، ۱۳۵۸ - مترجم
رده تصنیف	: ۹۱ الف ۹ م ۹ / ۱۳۹۰۴ BP ۷۱۳۳
رده سنجی	: ۹۳-۲۱۱۳۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۳۷۲-۵۹

این کتاب ترجمه ای است از:

Muhammad in Vedas and Puranas
Kuala Lumpur, 1998

انتشارات راه ابریشم
SILK ROAD PUBLICATION

www.silkroadpub.ir Email: info@silkroadpub.ir



عنوان کتاب: محمد (ص) در کتابهای مقدس هندو

مؤلف: دکتر ود پراکش اوپادهی، پروفیسور آشیت کومار بند اوپادهی (دانشمندان هندو)

مترجم: سعید کریم پور

ناشر: انتشارات راه ابریشم

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۰ هـ. ش

شمارگان: ۲۰۰۰

قیمت: ۴۸۰۰ تومان

مرکز پخش: ۸۸۹۷۹۳۷۷-۸۸۹۷۹۳۷۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۴۱-۲۵-۳

حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

۹	مقدمه ناشر
۱۱	مقدمه مترجم
۲۳	مقدمه مترجم انگلیسی
۲۷	مقدمه مترجم بنگالی

کتاب اول: «ناراشانگسا» و آخرین قدیس (به قلم دکتر ودیرکاش اوبادهی)

۳۳	سر آغاز
۳۵	فصل اول: مفهوم ناراشانگسا
۳۹	فصل دوم: ویژگیهای ناراشانگسا
۴۵	فصل سوم: ناراشانگسا و محمد (ص)
۵۳	فصل چهارم: ناراشانگسا در متون مقدس غیر هندی
۶۳	فصل پنجم: آن قدیس
۷۵	فصل ششم: آخرین بودا (میترا یا)

کتاب دوم: «کالکی آواتار» و محمد^(ص) (به قلم دکتر ود پرکاش اوپادهی)

- سر آغاز ۸۷
- فصل اول: مفهوم آواتار ۹۵
- فصل دوم: شرایط ظهور یک آواتار ۹۷
- فصل سوم: شرایط ظهور آخرین آواتار ۹۹
- فصل چهارم: نشانه‌های آخرین آواتار ۱۰۱
- فصل پنجم: زمان ظهور آخرین آواتار ۱۰۵
- فصل ششم: محل ظهور آخرین آواتار ۱۰۷
- فصل هفتم: دوره انحطاط اجتماعی و دینی ۱۱۱
- فصل هشتم: محمد^(ص) آخرین آواتار ۱۱۵
- فصل نهم: تعالیم قرآن و وداها ۱۲۵

کتاب سوم: وحدت دینی در پرتو وداها (به قلم دکتر ود پرکاش اوپادهی)

- سر آغاز ۱۳۳
- فصل اول: یگانگی خدا ۱۳۷
- فصل دوم: اثبات پیامبران در پوراناها ۱۴۱
- فصل سوم: عیسی مسیح در پوراناها ۱۴۷
- فصل چهارم: محمد^(ص) در بهاویشیا پورانا ۱۴۹
- فصل پنجم: آئین جهانی و نتیجه بحث ۱۵۱

کتاب چهارم: محمد^(ص) در وداها و مهابهاراتا (به قلم پروفیسور آشیت کومار بند
اوپادھی)

- فصل اول: محمد^(ص) در آتاروا ودا ۱۵۵
- فصل دوم: محمد^(ص) در سام ودا ۱۶۵
- فصل سوم: محمد^(ص) در یاجور ودا ۱۷۱
- فصل چهارم: محمد^(ص) در ریگ ودا ۱۸۵
- فصل پنجم: محمد^(ص) در مهابهاراتا ۱۹۹

www.ketab.ir

مقدمه ناشر

بر اهل تحقیق پوشیده نیست که علت بسیاری از اختلافات مذهبی و جنگ‌ها این است که علمای ادیان، حقیقت و واقعیت نبوت پیامبر (ص) را کتمان می‌کنند. ظهور پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - بنا بر آن چه که در قرآن آمده است در کتب ادیان پیشین از جمله در دین مسیح و دین یهود نیز مژده و بشارت داده شده است چنان که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

آنان که پیروی می‌کنند از پیامبر نبی امی که نام و بشارت او را نزد خود در تورات و انجیل می‌یابند^۱ ظاهر آیه شریفه دلالت بر این دارد که صفات: رسول و نبی امی یعنی حضرت محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - در آن کتاب‌ها مکتوب و مدون است. و در جای دیگر می‌فرماید: هنگامی که عیسی بن مریم به بنی اسرائیل گفت که من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و حقانیت کتاب نو را که در مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز شما را مژده می‌دهم که بعد از من رسول دیگری می‌آید که نامش احمد است.^۲

در کتب عهدین پیامبر اسلام آن چنان دقیق معرفی شده بود که بسیاری از دانشمندان یهود در زمانی که بعثت پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - نزدیک بود به وقوع برسد، از جاهای مختلف به سرزمین عربستان کوچ کردند تا ظهور آن پیامبر موعود را در یابند چنان چه قرآن کریم می‌فرماید: آنهایی که کتاب آسمانی را به آنان داده‌ایم او را (حضرت محمد - صلی الله علیه و آله و سلم -)

هم چون فرزندان خود می‌شناسند (اگر چه) جمعی از آنان با این که می‌دانند حق را کتمان می‌کنند.^۱

البته آن چه که از تورات و انجیل امروزه در دست یهودیان و مسیحیان هست به صورت تحریف شده است و بیشتر مطالبی که درباره سیمای پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - و خصوصیات آن حضرت در این دو کتاب آمده بود برداشته اند.

ممکن است وجود دلالت‌ها و نشان‌های واضح و متقن درباره پیامبر اعظم در کتاب‌های مقدس هندو به اطلاع کمتر کسی رسیده باشد.

در هر حال تلاشی روز افزون عوامل و مزدوران استکبار و دنیا طلبی در تخریب چهره نورانی نبی مکرم اسلام نه تنها ذره‌ای از ارادت و عقیده پیروان آن حضرت نکاسته است بلکه با نگاهی به تحولات اخیر و بیداری در جوامع مسلمین می‌توان دریافت عزت و باور مندی مسلمانان بیشتر و عمیق‌تر از گذشته به رشد و بالندگی خود ادامه می‌دهد.

انتشارات راه ابریشم امیدوار است با چاپ این اثر که با ترجمه محققانه جناب آقای سعید کریم پور انجام یافته است قدمی هر چند کوچک در راه معرفی و تبلیغ حقانیت این شخصیت عظیم برداشته باشد.

مقدمه مترجم

کتابی که هم اکنون در برابر خواننده عزیز است، تحقیقی کوتاه اما ارزشمند درباره پیشگویی ظهور پیامبر گرامی اسلام^(ص) در کتاب‌های مقدس هندو است. نویسندگان این کتاب دکتر ود پرکاش اوپادهی^۱ و پروفیسور آشیت کومار بند اوپادهی^۲ دو تن از دانشمندان هندو هستند که به سبب نگارش آن، نام پر آوازه‌ای در سرزمین خویش یافته‌اند. این کتاب به سبب آن که از سوی دانشمندانی غیرمسلمان نوشته شده و بر نبوت پیامبر خاتم مهر تأیید نهاده توجه بسیاری از محققان را در سر تاسر جهان به خود جلب کرده است.

دکتر ود پرکاش اوپادهی، دانشمند محقق در رشته زبان‌های باستانی از دانشگاه پرایاگ^۳ در هندوستان است و پروفیسور آشیت کومار بند اوپادهی نیز استاد زبان سانسکریت و عضو آکادمی زبان شناسی بنگال می‌باشد. اصل این کتاب به صورت سه رساله جداگانه از دکتر ود پرکاش اوپادهی به زبان هندی بوده که بعداً پروفیسور آشیت کومار آنها را به بنگالی ترجمه کرده است و با افزودن رساله چهارمی بر آنها، کلاً در یک جلد با عنوان «محمد^(ص) در وادها و پوراناها» (کتاب‌های مقدس هندو) به چاپ رسانده است. ترجمه‌ای که «محمد عالمگیر»^۴ در سال ۱۴۱۸ هجری قمری از این کتاب به زبان انگلیسی انجام داد، شهرت

۱. Ved Prakash Upadhyaya.

۲. Ashit Kumar Bandhupadhyaya.

۳. Prayag.

۴. محمد عالمگیر در سال ۱۹۴۲ میلادی در کلکته هندوستان به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا پایان دوره لیسانس در دانشگاه‌های هند ادامه داد و مهندس کشتی سازی گردید. در کراچی با شیخ فضل الرحمن آشنایی پیدا کرد و الهیات و معارف اسلامی را از او فرا گرفت. سپس به مطالعه فلسفه و علوم اجتماعی در دانشگاه کراچی پرداخت و در سال ۱۹۷۱ به نهضت مبارزه برای استقلال بنگلادش پیوست. وی در سال ۱۹۷۴ به استرالیا مهاجرت کرد و از بلیتین اسلام در آن سرزمین گردید - مترجم.

فراوانی برای آن در جهان به همراه آورد و به آرزوی مؤلفانش که مایل به بهره‌مندی همهٔ جهانیان از مطالب آن بودند، تا حد زیادی جامهٔ عمل پوشاند.

دانشمندانی که کتاب حاضر را نوشته‌اند از جمله معدود کسانی هستند که با وجود اختلاف عقیده با پیروان سایر ادیان، توانسته‌اند روح خود را از زندان تعصب و تقلید کورکورانه رهایی بخشیده و با تکیه بر دانش و اندیشهٔ خویش چشم‌انداز نویی نسبت به دین و معنویت به روی هم کیشان خود بگشایند. این دو دانشمند، هیچ یک مسلمان نیستند اما علاقه و محبت قلبی آنان نسبت به پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد^(ص) از هر کلمهٔ سخنشان پیداست و در طول کتاب هر جا که فرصتی برای بیانات احساسات خویش یافته‌اند، ضمن تأکید بر حقانیت آن حضرت، بالاترین احترامات و ستایش‌های خود را نثار آن روح گرامی نموده‌اند. برای نمونه، دکتر ود پرکاش اوپادهی در آخرین مبحث از فصل دوم، دربارهٔ حقانیت نبوت پیامبر اسلام^(ص) و آیات کتاب آسمانی او می‌نویسد:

این یک حقیقت است که قرآن از سوی خداوند به
حضرت محمد^(ص) وحی شده و هیچ کس جز فرد
متکبر آن را انکار نمی‌کند.

پروفسور آشیت کومار نیز در یکی از فرازهای فصل چهارم کتاب، با تشبیهی زیبا و دلنشین دربارهٔ مقام والای حضرت محمد^(ص) در جهان آفرینش می‌گوید:

همچنان که جهان مادی روشنایی خود را از خورشید
می‌گیرد، جهان بشری نیز نور هدایت را از حضرت
محمد^(ص) گرفته است.

این دو دانشمند هدف اصلی از نگارش کتاب حاضر را خدمت به علم و فرهنگ و برداشتن گام در جهت افزایش صلح و دوستی میان پیروان ادیان مختلف به ویژه هندوها و مسلمانان اعلام کرده‌اند. دکتر ود پرکاش اوپادهی حتی بارها تصریح کرده که تحت تأثیر الهامات خداوند به نوشتن این کتاب پرداخته

است. او ضمن تأکید بر نبوت راستین پیامبر اسلام^(ص) به نگاه بی طرفانه خود در این تحقیق و تمایل قلبی اش برای آشکار کردن حقیقت اشاره کرده و می نویسد:

این یک حقیقت اثبات شده است که ویژگی های
حضرت محمد^(ص) با اوصافی که در وداها، تورات،
انجیل و متون مقدس بودایی برای آخرین پیامبر آمده،
تطبیق می کند. قلب من تحت تأثیر این الهام فرار گرفته
که حقیقت باید آشکار شود، هر چند که بر خلاف میل
عده ای از مردم باشد... من با هدف گسترش پیام
خداوند به نگارش و نشر این کتاب پرداختم، که
صادقانه معتقدم خود او به من الهام فرموده چنین کنم...
کالکی آواتار که هندی ها او را به حدی دوست
می دارند که یک خدایش می پندارند، همان پیامبری
است که مسلمانان از او پیروی می کنند. من وظیفه خود
می دانم به حقانیت احمد^(ص) که ظهورش را عیسی
مسیح^(ع) بشارت داده، و کالکی آواتاره که وایاس
حکیم آمدنش را پیشگویی کرده گرامی دهم... در
حالی که ویژگی های کالکی آواتار با چنان دقت حیرت
آوری بر حضرت محمد^(ص) تطبیق می کند، جای
شگفتی است که هندوها هنوز در انتظار آمدنش هستند.
حقیقت آن است که او قبلاً آمده است، و او بی تردید
همان محمد^(ص) است...

پروفسور آشیت کوهار بنداوپادهی نیز به همین ترتیب، دانشمندی بی تعصب و
حقیقت جو است که در تحقیق خود، همین هدف را دنبال کرده است. او نیز
معتقد است که ظهور پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد^(ص) در کتاب های مقدس
آئین هندو پیشگویی شده و بر حقانیت او و آیاتی که از سوی خدا بر وی نازل

می‌شود تأکید گردیده است. پروفیسور آشیت کومار همه خوانندگان را به اندیشه و تأمل در مطالب کتاب فرا خوانده و می‌نویسد:

بیانیم همگی به سوی یک بینش صحیح حرکت کنیم،
باشد که دوستی نزدیک و محبت آمیزی بین هندوها و
مسلمانان برقرار شود. امید است که خداوند، شهادت
پذیرش حقیقت را بدون تردید به همه عطا فرماید...

کتاب حاضر در زمانی تألیف شده که نزاع مذهبی میان هندوها و مسلمانان، جامعه شبه قاره هند را در تفرقه و پریشانی فرو برده بود و در مواردی حتی به درگیری‌های خونین میان آنها انجامیده بود. تخریب مسجد بابری به دست هندوهای متعصب که معتقد به ظاهر شدن «رام» (از خدایان هندو) در آنجا بودند را می‌توان از بارزترین جلوه‌های این خشونت‌ها تلقی کرد. در همین زمان بود که دانشمندان هر دو آئین، به مسئولیت‌پذیری خود پی بردند و متوجه شدند که برای کاستن از اختلافات و پایان دادن به خشونت‌ها، لازم است به تحقیق و مطالعه عمیق‌تری درباره آئین‌های یکدیگر پرداخته و برای افزایش آگاهی پیروان هر دین نسبت به دیگری کتاب‌هایی تألیف کنند. در این میان، موضوع بشارت کتاب‌های مقدس هندو به ظهور یک پیامبر بزرگ، که مسلمانان او را همان حضرت محمد (ص) می‌دانستند توجه عده‌ای از دانشمندان هند را به خود جلب کرد و به تحقیق درباره آن پرداختند. کتاب حاضر، حاصل تحقیق دو تن از همین دانشمندان است که هم اکنون ترجمه فارسی آن در اختیار خواننده عزیز قرار دارد.

گفتگو درباره منشأ و چگونگی پیدایش آئین هندو و کتاب‌های مقدس آن، بحثی بسیار مفصل و گسترده است و در این مجال کوتاه نمی‌توان به همه ابعاد آن پرداخت. قدمت این آئین، به حدود پنج هزار سال قبل می‌رسد. متأسفانه تغییرات و تحریفاتی که در طی قرونتمادی در کتاب‌های مقدس هندوان روی داده، چهره آنها را دگرگون ساخته و از آئین هندو که طبق نظر اغلب دانشمندان، از ابتدا آئینی توحیدی و مبتنی بر یکتا پرستی بوده، چهره یک مذهب چندگانه پرستی و مربوط به تجسم خدایان را پدید آورده است. یکی از علل این امر، همان

طور که پروفسور آشیت کومار بیان کرده، غرور و جاه طلبی برهمنانی بوده که نسخه‌های اولیه وداها (قدیمی‌ترین کتاب‌های مقدس هندو) را در اختیار داشتند و برای آنکه دانش این کتاب‌ها را برای همیشه در انحصار خود نگه دارند، نسخه‌های بعدی و تفسیرها خود از آنها را با زبان نمادین و استفاده از کلمات مثالی و استعاره‌ی نوشتند تا دیگران چیزی از آن نفهمند و نتوانند به اسرار بلندشان پی ببرند. این کلمات استعاره‌ی و جملات نمادین، بعداً با همان معنی تحت اللفظی خود که جنبه‌ی ظاهری و مادی داشت مورد تفسیر قرار گرفتند، مثلاً اگر از جلوۀ قهر و غضب خداوند با کلمه‌ی «آگنی» (به معنی آتش) یاد شده بود، این پندار برای بعضی برهمنان و مفسران هندو به وجود آمد که آتش تجسمی از خداست. به این ترتیب آئین ودایی (هندوئیسم) به تدریج جایگاه والای معنوی خود را از دست داد و به یک آئین چند گانه پرستی مادی و توأم با افسانه‌ها و خرافات تبدیل شد. کاهنان و قدیسان قدیم به مرجه‌ی خدایی نیمه خدایی ارتقا یافتند و حوادث زندگی آنها با شاخ و برگ‌های بسیار، به صورت حماسه‌هایی از نبرد میان خدایان و عشقبازی آنها با یکدیگر و... درآمد؛ که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در کتاب‌های بعدی آئین هندو نظیر گیتا و مهابهارات یافت. این در حالی است که هنوز در وداها، آیات بسیاری که دلالت بر توحید ذات متعال خداوند دارند و هرگونه تشبیه و تجسیم را از او نفی می‌کنند باقی مانده است (شرحی از این آیات توحیدی وداها، در فصل‌های سوم و چهارم همین کتاب آورده شده است). از همین رو است که اغلب دانشمندان بر این اعتقادند که آئین هندو نیز نظیر آئین زرتشت، دراصل یک آئین توحیدی و مبتنی بر یکتا پرستی بوده و تمام عقاید شرک آمیز، خرافات و افسانه‌های مربوط به جنگ‌های خدایان و غیره، قرن‌ها بعد وارد آن گردیده است.

به سبب همین ملاحظات، بسیار محتمل است که قدیسان اولیه این آئین نظیر «کریشنا»، «راما»، «وایاس» و... که وداها و بعضی دیگر از کتابهای مقدس هندو را نوشته اند در اصل پیامبران بزرگی از انبیاء الهی بوده باشند، هر چند که تعلیمات و کتابهای آنان نیز مثل پیامبران بنی اسرائیل و سایر اقوام، به صورت اصلی باقی

نمانده و به مرور، دستخوش تحریفات کاهنان گردیده است. خداوند در قرآن کریم تأکید فرموده که به سوی هر قومی پیامبری (یا پیامبرانی) را برای هدایت آنان فرستاده است^۱ و البته تردیدی نیست که قوم بزرگ و متمدن هند نیز از این موهبت الهی مستثنی نبوده و آن آفریدگار همه اقوام بشر، به سوی آنان هم پیامبرانی را فرستاده است تا آنها را به سوی توحید و مکارم اخلاق فرا بخواند و از روز رستاخیز بیم دهند. در همین باره، در صحیح بخاری از حضرت محمد^(ص) نقل شده که می فرمود:

بر من از جانب هند نسیمی می وزد که از آن بوی توحید را استشمام

می کنم.

این بحث، حواشی پردامنه ای را پیش می کشد که این مقدمه کوتاه مجال طرح آنها نیست و خوانندگان برای اطلاع بیشتر در این زمینه می توانند به کتابهای دیگر مراجعه کنند. به هر حال قصد ما از این توضیحات، اشاره به این نکته بود که مسأله وجود بشارتهایی درباره پیامبر اسلام^(ص) در کتابهای مقدس هندو، نباید موضوعی غیر معمول و به دور از ذهن تلقی شود زیرا همچنان که گفتیم خداوند در قرآن تأکید فرموده که به سوی هر قومی پیامبری فرستاده است و مسلم است که مهمترین وظیفه هر پیامبر در هر کجای جهان این بوده که قوم خود را از ظهور آخرین پیامبر خداوند که صاحب شریعتی جهانی است و همه اقوام ملزم به اطاعت از او هستند آگاه کند و به پیروی از او فرا بخواند، و البته کاملاً معقول و منطقی است که پیامبران هند باستان نیز نسبت به این وظیفه کوتاهی نکرده و آمدن آن پیامبر را به پیروان خود بشارت داده باشند، بشارتهایی که آثار بعضی از آنها در کتابهای فعلی هندوان نیز باقی مانده و دانشمندانی همچون نویسندگان کتاب حاضر به دقت آنها را یافته و مورد بررسی قرار داده اند. طبق نظر این دانشمندان، هندوها از زمانهای بسیار قدیم، از ظهور پیامبری بزرگ در آخرازمان به نام «ناراشانگسا» (به معنی «ستوده»، مترادف با کلمه عربی «محمد») آگاه بوده اند و

سرودهای فراوانی در ستایش او و طلب ظهور پسر برکش از پروردگار متعال ساخته بودند که در جشنها و نیایشهای خویش آنها را زمزمه می کردند، سرودهایی که بعضی از آنها تا امروز نیز به یادگار از آن دوران در وداها و سایر کتابهای مقدس هندو باقی مانده است.

کتابهایی که در آئین هندو مقدس محسوب می شوند، بسیار متعدد هستند و در طی سالیهای طولانی به نگارش در آمده اند. قدیمی ترین این آثار، «وداها» هستند که شامل چهار کتاب سرود به نامهای «ریگ ودا»، «یاجور ودا»، «آتاروا ودا» و «سام ودا» می باشند (کلمه «ودا» از ریشه «ود» به معنی دانش و معرفت اخذ شده است). هر میان این چهار کتاب، ریگ ودا از همه قدیمی تر است و قدمت آن به سه هزار سال پیش از میلاد می رسد. سه ودای دیگر نیز در فاصله هزار تا چند صد سال پیش از میلاد به نگارش در آمده اند و به هر حال همگی آنها در قرون پیش از اسلام وجود داشته اند. مضامین وداها و حتی نوع کلمات و اصطلاحاتی که در آنها به کار رفته، به «اوستا» کتاب مقدس زرتشتیان شباهت بسیاری دارد و در واقع، نگارش این هر دو کتاب، به زمان انشعاب قوم آریایی به دو گروه هندی و ایرانی باز می گردد. لحن کلام و اسلوب عبارات در وداها به گونه ای است که احتمال هر گونه دخل و تصرف در آن در قرون بعد را منتفی می سازد زیرا این زبان قرنهایست که منسوخ گردیده و تقلید از آن، امکان پذیر نیست.

اما علاوه بر وداها که مهم ترین کتابهای مقدس آئین هندو هستند، کتابهای دیگری وجود دارند که هندوان آنها را مقدس می شمارند و برایشان احترام فراوانی قائلند. این کتابها به ترتیب اهمیت عبارتند از اوپانیشادها، پوراناها، مهابهارات و گیتا. در میان پوراناها، دو کتاب «بهاویشیاپورانا» و «کالکی پورانا» بیش از بقیه مورد توجهند زیرا در آنها مطالب متنوع تری در باره مذاهب گوناگون و حوادث آینده تاریخ آمده است. متن اصلی و اولیه این کتابها پیش از میلاد مسیح یا در قرون اولیه میلادی وجود داشته اما بعداً اصلاحات و تغییرات فراوان به آنها راه یافته است، به طوری که مثلاً بعضی از قسمتهای کالکی پورانا (که شامل پیشگویی های در باره «کالکی» پیامبر موعود آئین هندو می باشد) در

قرن شانزدهم میلادی و بعضی قسمتهای بهاویشیا پورانا نیز در قرن هجدهم میلادی نوشته شده است. به این ترتیب، بر خلاف وداها که پیشگویی هایشان به سبب قدمت زیادشان اهمیت فراوانی دارد، مطالب مندرج در کتابهای مذکور به آن اندازه دارای قدمت تاریخی نیست و چندان قابل استناد نمی باشد.

البته این سخن بدان معنا نیست که ما هیچ ارزشی برای مندرجات این کتابها قائل نباشیم. درست است که بعضی از مطالب کتابهای مذکور حتی چند قرن بعد از ظهور اسلام به آنها اضافه شده اما به هر حال تردیدی نیست که اگر این مطالب از روزگاران بسیار قدیم تر میان هندوها شهرت نداشت این کتابها هم به سبب بیان آنها چنین قداستی را به دست نمی آوردند. «کالکی آواتار» پیامبر موعود آخر الزمان که حتی یکی از پوراناها (کالکی پورانا) به نام اوست، شخصیتی است که بسیار برای هندوها مقدّس است و ذکر او نه فقط در کالکی پورانا، بلکه در بعضی کتابهای قدیمی تر هندو نیز آمده است. همچنان که پروفیسور آشیت کومار در اواخر کتاب اشاره کرده، تصویر کالکی آواتار را می توان بر دیوارهای بعضی از معابد هندو که به روزگاران بسیار قدیم تعلق دارند نیز یافت و نمی توان پذیرفت که عده ای از مسلمانان یا هندوهای بی تعصب نسبت به آئین خود پیشگویی آمدن او را صرفاً بر اساس سرگذشت حضرت محمّد (ص) جعل کرده و با طرح چنین هاله قداستی برای او، به میلیونها هندو القا کرده باشند. در واقع قداست کالکی نه فقط به خاطر آمدن نامش در پوراناها، بلکه به خاطر سابقه طولانی تر پیشگویی هایی است که از قرنهای پیش درباره او در ذهن هندوها باقی بوده است و به همین دلیل شایسته است که دانشمندان، با دقت و تأمل بیشتری به تحقیق درباره او بپردازند.

لازم است اشاره کنیم که هر چند دکتر اوپادهی و پروفیسور آشیت کومار، نویسندگان دانشمند این کتاب دقت زیادی را در شرح پیشگویی های کتابهای مقدّس و انطباق آنها بر پیامبر اسلام (ص) به کار برده اند، اما نقص مهمی در استدلالهایشان وجود دارد که حتماً باید مورد توجه قرار گیرد و آن، این است که دانشمندان مذکور از آنجا که در سرزمین محل خود بیشتر با مسلمانان سنی مذهب

حشر و نشر داشته اند، منابع اسلامی مورد رجوع آنها هم غالباً همان منابع اهل سنت بوده است و به منابع شیعی توجه کافی نداشته اند. همین امر موجب شده که در استدلالهای خود گاهی دچار لغزشهایی شوند که شایسته یک محقق دقیق نیست و این در حالی است که اگر آنها منابع شیعی را نیز در کنار سایر منابع اسلامی مورد توجه قرار می دادند، براهین و استدلالهایشان استحکام بیشتری می یافت. مثلاً آنها در بیان مفهوم استعاری «ده طوق گله» که در وداها به عنوان یک از نشانه های پیامبر موعود ذکر شده، آن را به ده یار نزدیک و صمیمی تعبیر کرده اند که مانند طوق گلی که به گردن آویخته شده، همواره بسیار نزدیک و در کنار آن پیامبر هستند و بر همین اساس در تطبیق آیه مربوط، اظهار داشته اند که مقصود از این ده طوق، همان ده صحابی برتر و برگزیده پیامبر اسلام (ص) می باشد که طبق منابع اهل سنت به «عشرة مبشرة» مشهورند (یعنی ده نفر از اصحاب پیامبر که بشارت ورود خود به بهشت را از آن حضرت شنیده اند). اما همچنان که می دانیم، حدیث «عشرة مبشرة» از نظر دانشمندان اسلام، استحکام چندانی ندارد و به ویژه از نظر شیعیان مردود می باشد، زیرا بعضی از این چند نفر همان کسانی بودند که با سر پیچی از فرمان رسول خدا (ص) مقام خلافت را از وصی حقیقی آن حضرت غصب کردند و بعضی دیگر هم وقتی که آن وصی بر حق، خلافت را به دست گرفت به خاطر مطامع مادی خود در مقابلش ایستادند و به روی او و یاران راستینش شمشیر کشیدند. مسلم است که چنان کسانی با آن سابقه اعمال، هرگز نمی توانند اند از پیامبر (ص) بشارتی درباره ورود خود به بهشت شنیده باشند و لذا حدیث عشرة مبشرة، قطعاً از جعلیات تاریخی است. در واقع، مقصود از ده طوق گل در آیات ودا می تواند اشاره به ده موهبت الهی باشد که بسیار عزیز و محبوب پیامبر (ص) بوده است، مانند فروع ده گانه دین اسلام که پیامبر، اولین آنها یعنی نماز را همچون نور چشم خود عزیز می داشته است. ما در ترجمه حاضر، هر جا که به چنین مواردی برخورد کرده ایم بدون دخل و تصرف در متن اصلی، خطای موجود در آن را در پاورقی همان صفحه به خوانندگان گوشزد کرده و توضیحات لازم را درباره آن بیان داشته ایم.

مؤلفین کتاب، در بررسی موضوع پیامبر موعود، فقط به کتابهای مقدّس هندو اکتفا نکرده و آن را در کتابهای مقدّس ادیان سایر مانند آئین یهود، مسیحیت و بودا نیز بررسی کرده‌اند تا نشان دهند که در این باره همه ادیان گذشته اتفاق نظر وجود دارد. این صحیح است که ظهور حضرت محمد^(ص) و حقانیت آئین او در تورات، انجیل و سایر کتابهای پیامبران پیشین بشارت داده شده، اما به جهت حساسیت فوق العاده موضوع، لازم است که هر یک از این بشارتها با دقت زیاد و مطالعات عمیق مورد بررسی قرار گیرند تا مبدا ضعف موجود در بعضی از استدلالها، سبب کم اهمیت تلقی شدن آنها گردد. مؤلفین این کتاب، غالباً بشارتهای خوبی از تورات و انجیل را برای استناد بر گزیده اند اما بعضی از دلایلی که در انطباق آن بشارتها بر پیامبر اسلام آورده اند، از دقت کافی برخوردار نیست. مثلاً اصرار دکتر وِد پرکاش اوپادهی بر مترادف بودن کلمه یونانی «پارا کلیتوس» در انجیل یوحنا با کلمه «احمد» (نام پیامبر اسلام) منطق محکمی ندارد و از نظر علمی صحیح نیست، ضمن آنکه دلالت این بشارت بر حضرت محمد^(ص) به قدری واضح است که لزومی ندارد بر چنان موضوع بی پشتوانه ای اصرار کنیم. ما در کتاب دیگر خود تحت عنوان «محمّد^(ص) پیامبر موعود» این مسئله را همراه با سایر بشارت مهمی که در کتابهای مقدّس بیان شده، به دقت و به طور مفصل مورد بررسی قرار داده‌ایم، که خواننده عزیز برای آگاهی بیشتر می تواند به آن مراجعه نماید.

با اینکه نویسندگان دانشمند این کتاب، هر یک از پیشگویی های کتب هندو درباره پیامبر اسلام^(ص) را از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار داده‌اند اما از آنجا که رشته علمی و تخصصی آنها زبانهای باستانی هندو بوده لذا استدلالهایشان از این دیدگاه اهمیت وارزش بیشتری دارد. در این میان، توضیحات دکتر وِد پرکاش اوپادهی درباره مفهوم کلمه «ناراشانگسا» که آن را یک پیامبر با نامی به معنی «ستوده» معرفی می کند، و همچنین نظرات دقیق پروفیسور آشیت کومار درباره وجود نام صریح پیامبر اسلام^(ص) در وداها به صورت «اماماها» (محمّد) و «احمدی» (احمد) از نکات برجسته این کتاب است و بیان آن از سوی این دو دانشمند متخصص در زبان هندی باستان (سانسکریت) لطف دیگری به کتاب

بخشیده و اهمیت و اعتبار آن را دو چندان می کند. به این ترتیب اگر چه در استدلالهای این دانشمندان، گاهی ممکن است نقطه ضعفهایی از نظر دلایل تاریخی و کلامی به چشم بخورد، اما در مقابل نیز دلایل ادبی و زبان شناختی مطرح شده از سوی آنها به عنوان دو دانشمند زبان شناس، از نقاط قوت کتاب محسوب می شود. تردیدی نیست که اگر کسی قصد تحقیق و بررسی دربارهٔ بشارتهای کتب مقدس هندو دربارهٔ پیامبر اسلام^(ص) را داشته باشد از مطالعهٔ کتاب حاضر و تأمل در دیدگاهها و نظرات این دانشمندان، به ویژه از جنبهٔ ادبی و زبان شناسی، بی نیاز نخواهد بود.

همچنان که گفتیم، این کتاب در اصل به صورت سه رسالهٔ مجزا از دکتر ود پرکاش اوپادهی بوده که بعداً پروفیسور آشیت کومار بند اوپادهی پس از ترجمهٔ آنها به زبان بنگالی، رسالهٔ چهارمی را هم از جانب خود برای تکمیل مطالب به آنها افزوده و هر چهار رساله (فصل) را در کتاب واحدی به نام «محمد^(ص) در وداها و پورانها» به چاپ رسانده است. از آنجا که این کتاب، از یک سو علاوه بر وداها و پورانها، به بررسی بشارتهای سایر کتابهای هندو نظیر مهابهارات و اوپانیشادها نیز پرداخته و از سوی دیگر خوانندگان فارسی زبان هم با نام کتابهای هندی آشنایی چندانی ندارند، لذا تصمیم گرفتیم ترجمهٔ فارسی آن را با نام کلی «محمد^(ص) در کتابهای مقدس هندو» منتشر سازیم.

تمایل قلبی ما این بود که بتوانیم کتاب حاضر را در بهترین شکل ممکن به خوانندگان ارائه دهیم، اما متأسفانه نقایصی در آن وجود دارد که باید مورد اشاره قرار گیرد: نخست آنکه این ترجمه از روی اصل هندی انجام نشده است، بلکه از روی ترجمهٔ انگلیسی محمد عالم گیر صورت گرفته که آن هم متکی بر ترجمهٔ بنگالی پروفیسور آشیت کومار می باشد. به این ترتیب صحت و درستی مطالب این ترجمه منوط به دقت مترجمین بنگالی و انگلیسی است. دوم آنکه نشانی دقیق بعضی از منابع و کتابهایی که مورد استفادهٔ مؤلفین بوده، در این ترجمه آورده نشده است و این به سبب عدم اشاره به آنها در ترجمهٔ انگلیسی بود. از آنجا که اغلب این منابع در خارج از شبه قاره هند در دسترس نیست، مسلماً آوردن نشانی

دقیق آنها ضرورت داشته است. البته شاید این نقص در اصل هندی کتاب وجود نداشته و بعداً در اثر کم توجهی مترجم انگلیسی پدید آمده باشد. به هر حال چون ما از سویی به اصل این منابع دسترسی نداشتیم و از سوی دیگر هم حذف کاملشان را صحیح نمی دانستیم، لذا ترجیح دادیم آنها را به همان صورتی که در متن انگلیسی بود بیاوریم. و سرانجام اینکه، چون کتاب پر از کلمات نامأنوس هندی و نامها و اصطلاحات ویژه آئین هندو است، جای آن داشت که برای فهم بهتر مطالب و استفاده آسانتر فارسی زبانان، شرح و توضیح مختصری درباره هر یک از آنها در باورقی یا به صورت ضمیمه در انتهای کتاب، آورده می‌شد اما متأسفانه چون تا کنون اغلب متون مقدس هندو به طور کامل به فارسی ترجمه نشده و درباره زبان و ادبیات هندی و فرهنگ هند باستان نیز منابع کافی در اختیار ما نیست، انجام این امر میسر نگردید. امید است که در آینده با دسترسی به منابع بیشتر، بتوان این نقص را برطرف کرده و ترجمه بهتر و کاملتری در اختیار خوانندگان قرار داد.

تنظیم و آماده سازی این ترجمه حاصل یک کار گروهی است که بدون آن امکان چاپ و نشر کتاب فراهم نمی گردید، و به ویژه در این میان آقای محمد تقی کریمی در تأمین بخشی از پشتوانه مالی مورد نیاز و آقای حمید دهدشتی مدیر محترم انتشارات راه ابریشم در تنظیم شکل نهایی کتاب و طراحی جلد آن مساعدت زیادی نموده‌اند، که این مساعدت و همکاری جای تقدیر و تشکر بسیار دارد.

بی تردید پاداش این بزرگواران نزد همان وجود پاک و آسمانی که کتاب حاضر به نامش مزین است محفوظ خواهد بود. امید است که این گونه تلاشها در جهت نشر معارف الهی مقبول درگاه پروردگار متعال قرار گیرد.

اکنون سخن را به پایان می‌بریم و خواننده را به مطالعه متن کتاب دعوت می‌کنیم.

مقدمه مترجم انگلیسی

در بارهٔ مسألهٔ وجود خدا، به نظر می‌رسد که جهان به دو گروه تقسیم شده است. گروه کوچکتَر، کسانی که به خدا اعتقادی ندارند و ظاهراً تعدادشان روز به روز در حال افزایش است، و گروه بزرگتر، آنها که به خدا ایمان دارند و با اختلافاتی پایان‌ناپذیر و رقابتی متقابل، روز به روز ضعیفتر شده و از تعدادشان نیز کاسته می‌شود. در نتیجه، کشمکشها ادامه می‌یابد و گروه سومی به نام «عرفاء» به طرز حیرت‌انگیزی زیاد شده و کنترل همهٔ جنبه‌های زندگی بشر را از دو گروه قبل که خسته از مجادلاتند، می‌ربایند.

اخبار و توصیفات خداوند، از طریق انسانهایی به ما رسیده که جایگاه برجسته‌ای در حیات روحانی ما داشته‌اند. این انسانها، گاهی از سوی مردم عادی به عنوان قدیس، گاهی کاهن، گاهی پیامبر و گاهی نیز به عنوان خود خداوند که در قالب بشر درآمده شناخته شده‌اند. بدیهی است که تعریف خداوند در هر مورد، از دیدگاه ماوراءالطبیعی یا به عبارت بهتر، هستی‌شناسی با بقیه متفاوت است. پس می‌توان دریافت که پیروان هر یک از این انسانها به شکل قابل ملاحظه‌ای توانشان را در معرفی پیشوایان خود و ایجاد آثار مکتوب برای در هم شکستن کسانی که «حاضر به اطاعت از شریعت نیستند» به کار می‌گیرند.

بنابر این، اگر چه به نظر می‌رسد که مباحثه، تعیین می‌کند که کدام یک از این تعاریف، صحیح هستند، اما موضوع نهفته اصلی در واقع بیان این مطلب است که کدام یک از آن انسانهای بزرگ، مقام نخست را دارد. مطمئناً خداوند هرگز خود را با کامل‌ترین تجلی‌اش بر ما آشکار نمی‌سازد. حتی وقتی در بحث و

جدلهای ما، او هیأت عیسی یا کریشنا یا راما را به خود می‌گیرد، باز هم نمی‌توان انکار کرد که او شکل واقعی خود را از ما پنهان می‌دارد. بنابراین این پیتنده هیچ دستاویزی برای پذیرش ادعاها در حق این انسان نمی‌یابد، زیرا چشم ظاهر، قادر به دیدن چیزی غیر از بشر جسمانی نیست. با این حال کسی که اخباری دربارهٔ خداوند می‌دهد، به طور ویژه، حضور بیشتری نسبت به خود خداوند در زندگی ما دارد.

ما انسانها هرگز نمی‌توانیم حتی با بهره‌گیری از همهٔ دانش و قدرت تشخیص محدود خود در این باره به نتیجه‌ای برسیم. پس تلاش برای بالا بردن بی‌قید و شرط جایگاه بشری ما، ممکن است به کاسته شدن از جایگاه حقیقی خود خداوند منجر شود. البته خداوند مسلماً نمی‌پسندد که منزلت خویش را تنزل دهد. او از ایمان ما به خودش آگاه است، و بر ما مهربان می‌باشد. او طریق مطمئنی را برای خویش بر می‌گزیند تا به ما بفهماند از میان انسانها چه کسی بالا ترین مقام را در نزدش دارد.

اهمیت این مسأله، با موضوع نهایی وجود و رابطهٔ خداوند بستگی زیادی دارد. این یک معبر باریک است، یک گذرگاه، یعنی ارتباط بشر با خدا. پس اگر این پرسش، پاسخی نیابد، مؤمنان در صورت موفقیت چشمگیر مادی گرایی، که از نظر روحی با عرفان و از نظر اخلاقی با وجود گرایی بشری (اگزیستانسیالیسم) حمایت می‌شود، مجبور به عقب نشینی خواهند بود. تحقیقی که دکتر و دپرکاش اوپادهی روی این مسأله انجام داده و نتایج نهایی که از متون مقدس هندی و سامی به دست آورده، مسیر قابل توجهی را در ذهن ما روشن می‌کند و دل‌های ما را از اندوه و کشمکش‌های می‌بخشد.

در اینجا لازم است به بعضی از نواقصی که در ترجمهٔ انگلیسی من از این اثر مهم دکتر اوپادهی وجود دارد، اشاره کنم. اول آنکه، من این کتاب را از اصل هندی ترجمه نکرده‌ام، بلکه آن را از روی ترجمهٔ بنگالی پروفیسور آشیت کومار بند اوپادهی انجام داده‌ام. دیگر آنکه، به سبب فقدان منابع، ناچار شده‌ام آیات سانسکریت را که در متن اصلی کتاب مورد ارجاع قرار گرفته بود، کنار بگذارم.

به هر حال من با رعایت امانت در این ترجمه، تلاش زیادی کرده ام که نشان دهم استدلالهای نویسنده کتاب نه ضعیف است و نه مبالغه آمیز. آیات سانسکریت همان طور که دور از ذهن تلقی می شوند، فقط برای کسانی سودمندند که قادر به خواندنشان باشند. برای این افراد، همان طور که برای علاقه مندان به مقابله یک ترجمه دقیق از متون مقدس هندی لحاظ شده، شماره ارجاع هر آیه [از کتب مقدس هندو] مشخص شده است. البته دقت این ارجاع ها، منوط به دقت مترجم بنگالی می باشد.

محمد عالم گیر
۱۲ ربیع الاول ۱۴۱۸ قمری

www.ketab.ir

مقدمه متوجم بنگالی

آفریدگار و نگهدارنده جهان، یکی است نه دوتا. تنها او سزاوار ستایش و پرستش است که پروردگار جهان هاست. او برای به کمال رساندن بشر در این جهان و جهان دیگر و هدایتش به راه راست، پیامبران را در هر زمان به هر سرزمینی فرستاد، اما بعضی از مردم ناآگاه هندوستان تصور می کنند که پیامبران خدا، قدیسان و انسانهای بزرگ فقط برای سرزمین هند فرستاده شده اند و این در حالی است که همه می دانند که آریایی ها، خودشان از خارج هند به آنجا آمده و وداها، کتابهای مقدس آریایی های غیر هندی هستند. حقیقت آن است که هر وقت کینه ورزها و افکار غیر دینی رواج یابد و کتابهای مقدس قدیمی تحریف شوند، خدا پیامبران تازه ای می فرستد و کتابهای نویی در اختیار بشر می گذارد. کسانی که پیامبر جدید و کتاب او را انکار کرده و کورکورانه از خرافات پیروی کنند، بی پروا به سوی تباهی خویش حرکت کرده اند. از سوی دیگر کسانی که پیامبران را می پذیرند و از کتابهای جدید پیروی می کنند، به راه راست نائل شده اند. اگر متون مقدس رایج در جهان به درستی مورد بررسی قرار گیرند، معلوم خواهد شد که بعضی از آنها ناشناخته مانده و بعضی دیگر برای صدها و حتی هزاران سال از چشم مردم مخفی نگه داشته شده اند. آریایی ها مطالعه و یا شنیدن وداها را برای غیر آریایی ها ممنوع کرده بودند. کتاب مقدس عبری (تورات) در اثر حمله دشمنان پیروانش، از روی زمین ناپدید گشت. علت آنکه پیروان ادیان مختلف در اعتبار کتابهای خویش تردید جدی دارند، همین است. اما در این میان، قرآن تنها کتاب مقدسی است که هیچگاه از نظرها پنهان نبوده است. اگر سایر

کتابهای مقدس جهان تحریف شده‌اند، امروز این امکان برای ما وجود ندارد که بتوانیم آنها را اصلاح کنیم. اما همیشه میلیون‌ها نفر از کسانی که تمام قرآن را از بر دارند، در دسترس می‌باشند و این است علت آنکه این کتاب برای هزار و چهارصد سال دست نخورده و تحریف نشده باقی مانده است. هیچ کتابی در جهان نمی‌تواند با این تحدی قرآن مقابله کند. به بیان بهتر، فقط قرآن است که می‌تواند پیام تغییر ناپذیر و ابدی خداوند به شمار آید.

هندوستان نیز مثل همه جهان، همیشه منتظر آمدن «کالکی آواتار» است، آخرین انسان بزرگ. متون مختلف او را به شیوه‌های گوناگون مورد اشاره قرار داده‌اند. بسیاری از نشانه‌های این انسان بزرگ، پیشگویی شده است. او در فرازهای متعددی از وداها و پوراناها مورد اشاره قرار گرفته است. مسلمانان می‌گویند که این آخرین انسان بزرگ دوران کالکی، حضرت محمد^(ص) است.

طبق تحقیق دکتر ودپراکش اویادهی، محمد^(ص) در وداها و پوراناها به چهار شیوه گوناگون مورد توصیف قرار گرفته است. اول، به صورت «ناراشانگسا» یا «ستوده»؛ که این با معنی کلمه «محمد» قابل توضیح است. دوم، به عنوان «آنتیم ریشی» یعنی قدیس آخر الزمان. مسلماً محمد^(ص) در دوران فعلی که دوران کالکی محسوب می‌شود ظهور نموده است. و چهارم، محمد^(ص) در وداها با نام اصلی خودش معرفی شده است. بنابراین، از همه این چهار دیدگاه، کسی که مورد اشاره قرار گرفته، محمد^(ص) است.

دکتر اویادهی در این باره، سه اثر تحقیقی مختلف را منتشر ساخته است:

۱. ناراشانگسا و آنتیم ریشی

۲. کالکی آواتار و محمد^(ص)

۳. وحدت دینی در پرتو وداها و پوراناها.

من هر سه کتاب را در ترجمه بنگالی خویش آورده‌ام و آن را «محمد^(ص) در وداها و پوراناها» نامیده‌ام. به خاطر سفارشهای اکید من، ناشر دقت زیادی را در چاپ کتاب به کار برده است. من از دیدن کتاب خوشحالم و آن را همچون نسخه دست نویس خود تلقی می‌کنم، و همه حقوق ادبی این اثر را به ناشر تقدیم می‌نمایم.

بیایم به سوی یک بینش صحیح حرکت کنیم و بگذاریم که دوستی نزدیک و محبت آمیزی میان هندوها و مسلمانان برقرار شود. باشد که خداوند به هر کس شهادت پذیرش حقیقت را بدون تردید، عطا فرماید. با این امید، سخن خویش را در این باره به پایان می‌برم.

پروفسور آشیت کومار بند اوپادهی
عضو آکادمی زبان سانسکریت «هوراه» (Howrah)

www.ketab.ir